

فصلنامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین

(نشریه علمی)

سال دوازدهم - شماره چهارم - زمستان ۱۴۰۱ - شماره پيوسته ۳۸

گويش ناييني؛ گويشي بازمانده از ايران باستان (ص ۴۱-۶۱)

محمدرضا حصارکي (نويسنده مسئول)، مهين خطيب‌نيا^۲

: 20.1001.1.2345217.1401.12.4.2.8

تاريخ پذيرش: ۱۴۰۱/۱/۲۸

تاريخ دريافت: ۱۴۰۰/۶/۱۵

نوع مقاله: پژوهشي

چکیده

گويش‌شناسي، يکي از شاخه‌هاي کاربردي دانش زباني است که با هدف گردآوري گويش‌ها، به بررسي علمي، زبان‌شناختي، جامعه‌شناسي و مردم‌شناختي مي‌پردازد. گويش محلي، رکن اصلي و ساختار موجوديت هر قوم و نژاد است؛ از اين رو مطالعه و بررسي در جهت زنده نگه‌داشتن گويش ناييني، به عنوان بخشي از فرهنگ، سنت و آيين شهرستان نايين، ضروري و درخور اهميت است. گويش ناييني از گويش‌هاي مرکزي ايران و دنباله زبان «ايراني ميانه غربي» است و اصالت ادبي و پيوند ناگسستني و ثابت با زبان «پهلوي ساساني» دارد. گويش ناييني با گويش‌هاي همجوار خود از جمله اردستاني، ورزنه‌اي، بادرودي، زفره‌اي، نطنزي و زرتشتيان يزد خويشاوندي نزديک دارد. روش اين پژوهش به صورت توصيفي و گردآوري اطلاعات به شيوه کتابخانه‌اي است و مواد زباني آن از مجموعه فرهنگ لغت و امثال و حکم و از بين گويش مردم شهر نايين جمع‌آوري شده است. از نتايج به دست آمده اين پژوهش مي‌توان به منظم و سازمان‌يافته بودن اين زبان اشاره کرد، به گونه‌اي که واژه‌ها از دو حالت خارج نيست؛ اول کلمه‌هايي که در اين گويش، صورت ويژه‌اي دارند و ريشه آن‌ها را بايد از فرهنگ اوستا استخراج کرد و دوم واژه‌هايي که مشتق از الفاظ فارسي معيار هستند و با تغيير حرکات، افزايش، کاهش يا تغيير حروف، به زبان محلي ناييني راه يافته‌اند.

کلمات کلیدی: گويش‌هاي مرکزي، ايران، گويش ناييني

۱. استاديار گروه زبان و ادبيات فارسي، واحد شهر قدس، دانشگاه آزاد اسلامي، تهران، ايران.

Email: m.r.hesaraki@gmail.com

۲. استاديار گروه زبان و ادبيات فارسي، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامي، اصفهان، ايران.

Email: t.khatibnia@gmail.com



۱. مقدمه

از زمان‌های بسیار دور زبان‌ها به دنیا آمده‌اند، زیسته‌اند و از میان رفته‌اند. اما امروزه با سرعتی بی‌سابقه در حال نابودی‌اند. «اکنون در جهان در هر سال ده زبان خاموش می‌شود و زبان‌شناسان پیش‌بینی می‌کنند اگر این روند ادامه یابد؛ نود درصد زبان‌ها تا سده‌ی آینده رو به خاموشی خواهند رفت. از آنجایی که فرهنگ وابسته به زبان است، با زبان شکوفا می‌شود به حیات خود ادامه می‌دهد و منتقل می‌شود؛ با مرگ هر زبان فرهنگ وابسته به آن نیز در معرض نابودی قرار می‌گیرد. از سوی دیگر هر زبانی سازگاری‌های ضروری با شرایط ویژه‌ی اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی را برای گویش و رانش فراهم کرده و امکان شناخت هستی از دریچه‌ای ویژه را برای آن‌ها میسر می‌سازد؛ لذا مرگ زبان‌ها به مثابه نابودی همه‌ی این امکان‌های ضروری برای حیات اجتماعی و تداوم فرهنگ است» (معینان، ۱۳۸۹: ۷۵). زبان ابزاری برای بیان خواسته‌ها، نیازها و عواطف انسانی در بافت اجتماعی است. خصلت اجتماعی زبان، آن را با بسیاری از پدیده‌ها، رویدادها و عوامل اجتماعی پیوند می‌دهد و این همبستگی یا پیوستگی به حدی است که مردم‌شناسان، زبان و بویژه واژگان آن را آینه‌ای دانسته‌اند که پدیده‌ها و دگرگونی‌های مختلف اجتماعی فرهنگی جامعه را به نوعی در خود منعکس می‌کند بی‌گمان، تأثیر عوامل اجتماعی در کنار عوامل جغرافیایی در ایجاد تنوعات زبانی و گویشی انکارناپذیر است. درست همانطور که بشر برای بقای فیزیکی به تنوعات زیستی وابسته است، برای بقای فرهنگی نیز به تنوعات زبانی نیازمند است. از بین رفتن تنوعات زبانی به منزله کاسته شدن از تنوعات فکری در میان جوامع بشری است؛ زیرا هر زبان، ابزاری منحصر به فرد برای اندیشیدن و تجزیه و تحلیل جهان پیرامون محسوب می‌شود. زبان‌شناسان و مردم‌شناسان در بیان اهمیت حفظ زبان‌ها و گویش‌های اقلیت، عمدتاً به مسائلی چون لزوم وجود تنوعات زبانی در سطح جهان، نقش زبان در حفظ و انتقال فرهنگ‌ها و اهمیت زبان به عنوان نماد هویت قومی و نژادی اشاره می‌کنند. نابودی یک زبان به منزله نابودی یک هویت ریشه‌دار است. طبعاً حذف زبان به همراه حذف فرهنگ می‌تواند موجب کاهش حس اعتماد به نفس، کاهش توانایی‌های بالقوه افراد و نیز پیچیده‌تر ساختن همکاری‌ها و روابط بین انسان‌ها برای حل مشکلات مختلف گردد (نک: ناصح، ۱۳۸۹).

با وجود آنکه جامعه‌شناسان، «زبان» را یکی از مؤلفه‌های فرهنگی و بخشی از فرهنگ یک قوم و ملت به حساب می‌آورند، از دیدگاهی وسیع‌تر باید زبان را از سایر عناصر فرهنگی کاملاً متمایز دانست. زبان، از یک سو خود وسیله‌ای برای حفظ، بیان، آموزش و توسعه فرهنگ است و از سوی دیگر محملی است برای انتقال فرهنگ از نسلی به نسل دیگر. آنچه فرهنگ گذشتگان را به نسل حاضر پیوند می‌زند، زبان است و آنچه آیندگان را از ارزش‌ها و باورهای نسل حاضر مطلع می‌سازد، همین زبان است. زبان بخشی از هویت قومی و نژادی یک ملت به حساب می‌آید و به قول ساموئل

جانسون «زبان هر ملت، شجره‌نامه آن ملت است» (بشیرنژاد، ۱۳۸۳: ۷۰). گردآوری گویش‌های محلی و پژوهش درباره آن‌ها از دیدگاه زبان‌شناسی اهمیت بسزایی دارد. هریک از واژه‌های گویشی نمایانگر گوشه‌ای از تاریخ اجتماعی ملت ماست و احیای آن می‌تواند در غنی کردن زبان فارسی و بازسازی زبان‌های کهن، مفید باشد. «بسیاری از مشکلات واژه‌سازی و دستور زبان فارسی را از طریق بررسی گویش‌ها می‌توان حل کرد» (همایون، ۱۳۷۱: ۹). سه دوره اصلی زبان در ایران؛ یعنی زبان فارسی باستان یا فرس هخامنشی، زبان ایرانی میانه و ایران امروز که از دوران اسلامی آغاز می‌شوند، در حال کنش و واکنش و تأثیر بر روی همدیگرند. «از نظر شجره و رده‌شناختی، مجموع ویژگی‌های مشترک این زبان‌ها برای شناخت این زبان‌ها به عنوان یک واحد اجتماعی-زبانی کافی است و مجموعه این ویژگی‌های اصلی، مربوط به گویش‌های استان فارس در جنوب غربی ایران است» (اشمیت، ۱۳۸۳: ۴۱۳). «زبان‌های کنونی ایران به دو گروه اصلی: الف) زبان‌های ایران غربی که دنباله زبان‌های ایرانی میانه غربی است که به دو گروه شرقی و غربی تقسیم شده و گروه غربی پهلوی خود به دو گروه شمالی (پهلوانیک، پهلوی اشکانی) و گویش جنوبی (پارسیک یا فارسی میانه) تقسیم می‌شود؛ ب) گروه‌های زبان‌های ایران شرقی است که دنباله زبان‌های ایرانی میانه شرقی است (ناتل خانلری، ۱۳۴۷: ۳۹).

زبان فارسی، گویش کردی، بلوچی، مازندرانی، گیلکی و گویش‌های مرکزی ایران چون گویش ناینینی، میمه‌ای، زفره‌ای و سمنانی جزو آن است. «گویش ناینینی جزو گویش‌های ایرانی غربی و زبان‌های ایرانی میانه غربی است که حتی پس از فروپاشی سلسله ساسانی تا قرن نهم میلادی مورد استفاده زرتشتیان و مانویان بوده است» (زرشناس، ۱۳۸۲: ۴۰). «گویش ناینینی جزو گروه جنوب خاوری، یکی از شش گروه گویش‌های مرکزی ایران است (سجادی ناینینی، ۱۳۷۹: ۹).

پژوهش درباره گویش‌های محلی از دیدگاه زبان‌شناسی اهمیت بسزایی دارد؛ چراکه گوشه‌ای از تاریخ اجتماعی ملت ماست و احیای آن می‌تواند در غنی کردن زبان فارسی و بازسازی زبان‌های کهن، مفید واقع شود. «بسیاری از مشکلات واژه‌ها و دستور زبان فارسی را از طریق بررسی گویش‌ها می‌توان حل کرد» (همایون، ۱۳۷۱: ۹). با گسترش آموزش زبان فارسی، در نتیجه باسواد شدن مردم روستا و وجود وسایل گوناگون ارتباط رفت و آمد بین روستاها و شهرها، گویش‌ها و زبان‌های محلی یکی پس از دیگری فراموش می‌شوند که این یک خطر جدی برای از بین رفتن گویش‌ها و محو شدن آن‌ها در گذر زمان است. مطالعه گویش‌های قدیمی و باستانی نه تنها می‌تواند بستر را برای پایایی و ماندگاری آنان فراهم سازد؛ بلکه به تقویت هویت تاریخی یک قوم یا ملت نیز کمک شایانی می‌کند. بر این اساس ضرورت ایجاد می‌کند تا با انجام مطالعه و پژوهش پیرامون هر یک از گویش‌های محلی کشور، علاوه بر جلوگیری از نابودی آنان، نسبت به حفظ و شناسایی هر چه بیشتر آنان اقدام شود.

۲. پیشینه تاریخی ناین

می‌توان قدمت این شهر را به پیش از اسلام نسبت داد. جایگاهی که ناین در طول تاریخ به عنوان یک شهر میانی حفظ کرده، سبب شده است تا دچار تحولات اساسی یا رکود نشود و همواره با روندی تدریجی پذیرای تغییرات باشد. این ویژگی سبب شده است تا بافتی غنی و مترکم به یادگار بماند (نک. مشهدی‌زاده، ۱۳۸۶: ۸۱). «ناین شهری است که هسته اولیه آن پیش از اسلام، تکوین یافته است» (عرب بافرانی، ۱۳۸۸: ۱۳). «پروفسور ادوارد براون شرق‌شناس مشهور انگلیسی به دنبال تحقیقات زیاد درباره زبان و ادبیات فارسی، با ساختن جدولی از گویش‌های محلی حاشیه کویر، آن گویش‌ها را به زبان پهلوی هخامنشی نسبت می‌دهد که گویش ناینی هم جزو آن‌هاست بنابراین می‌توان پذیرفت که قدمت ناین تا دوران هخامنشیان یعنی ۶۰۰ سال قبل از میلاد باز می‌گردد» (رضوی، ۱۳۹۳: ۲۲). شهر ناین در ۱۴۵ کیلومتری اصفهان و ۱۸۰ کیلومتری یزد قرار دارد و دارای آب و هوای گرم و خشک و پوشش گیاهی استپی و حدود چهل هزار نفر جمعیت دارد. «ریشه نام ناین از واژه نای صورت دیگر واژه نی، رستنی مردابی است که در گذشته‌ای دور، پهنه‌ای بسیار فراخ را در نواحی میانی ایران پوشانده، ناین صفت نسبی است» (پورعابدی، ۱۳۹۱: ۱۲). شهر ناین در حاشیه جنوب کویر مرکزی ایران و در طول جغرافیایی ۵۳ درجه و ۵ دقیقه و عرض جغرافیایی ۳۲ درجه و ۵۲ دقیقه واقع شده است. بر اساس تقسیم‌بندی اقلیمی کوپن، شهر ناین در اقلیم گرم و خشک واقع شده است (نک. آزاد و همکاران، ۱۳۹۷: ۹۴). بافت شهری و محل‌های ناین به صورت تدریجی و ارگانیک شکل گرفته است، بر اساس شواهد کالبدی موجود نظیر نارنج قلعه، الوگاه‌ها و همچنین آداب و رسوم خاص، نظیر توجه به آتش و آب و انعکاس این موضوع در ضرب‌المثل‌ها و غیره (نک. سلطان‌زاده، ۱۳۹۰: ۴۵). تاریخ بنای اولیه شهر ناین به دوران قبل از اسلام باز می‌گردد. صحت این مدعا را علاوه بر نوشته‌های مورخین و جغرافیانویسان قدیم، گویش محلی خاص مردم ناین تقویت می‌کند. این گویش هنوز نیز متداول و مرسوم است. مؤلف کتاب مسالک و ممالک، فارس را ایالت قدیمی ایران و محل تشکیلات دولت هخامنشی ذکر می‌کند که دوره ساسانیان و پس از اسلام به پنج ولایت یا استان تقسیم و هر قسمت (کوره) نامیده می‌شده است. در دوره‌های ساسانی و پس از استقرار اسلام، شهر ناین جزو یکی از این کوره‌ها به شمار می‌آمد. بیشتر پژوهشگرانی که درباره ناین بررسی و تحقیق کرده‌اند به آبادی و آبادانی آن در ادوار قبل از اسلام اشاره کرده‌اند. اما در مقدمه کتاب «تذکره سخنوران ناین» شهر ناین، شهرکی کاروان‌انداز معرفی شده که قافله‌ها برای استراحت و فراهم ساختن زاد سفر در آن بار می‌انداخته‌اند. سارباناتان نیز شتران خود را در ناین، هنارگیری می‌کرده‌اند. به هر حال، با مراجعه به منابع مختلف می‌بینیم که ناین در قبل از اسلام، مرکز اداری و خدماتی بخشی از ناحیه یزد بود.

با توجه به واکاوی‌های صورت گرفته در منابع تاریخی موجود پیرامون روند سیر شهر در دوران پیش از تاریخ، بجز اطلاعات محدودی مربوط به فرایارینه‌سنگی در شمال غرب ناین اطلاعاتی در دست نیست. شاید با مطالعات بیشتر، محوطه‌هایی از آن دوران کشف و شناسایی گردند ولی از دوره ساسانی، شواهدی مادی نسبتاً محدودی در دست است. منطقه ناین شهری است که هسته اولیه آن در دوران تاریخی تکوین یافته است. قلعه موسوم به نارنج‌قلعه، مربوط به روزگار ساسانیان و موقعیت قرارگیری آن در مسیر راه‌هایی که از سمت شرق و حاشیه کویر عبور می‌کرد اهمیت دارد؛ براساس واکاوی منابع تاریخی و شواهد باستان‌شناختی مشخص گردید که با ورود دین اسلام به ایران و گسترش آن در سده هفتم میلادی / اول هجری قمری، شهرستان ناین همانند دوران پیش از اسلام جزو ایالت فارس شناخته می‌شد و نوشته‌های جغرافیایان قرون نخستین اسلامی؛ نظیر اصطخری، ابن حوقل، مقدسی و یا قرون میانه اسلامی نظیر ابن بلخی و مستوفی، فارس به پنج خوره / کوره تقسیم می‌شد. ناین در دوران ساسانی و به تبع آن در دوران اسلامی، به عنوان بخشی از کوره اصطخر که وسیع‌ترین و شمالی‌ترین کوره فارس بود شناخت می‌شد و متأسفانه هیچ‌کدام از مورخان یا جغرافیایان از ویژگی‌های کالبدی و معیشتی شهر اطلاعاتی ارائه نداده‌اند؛ چراکه احتمالاً از اهمیت سیاسی یا اداری ویژه برخوردار نبوده است (نک. باغ شیخی، ۱۳۹۸: ۲۶-۲۵). متون دست اول تاریخی و شواهد باستان‌شناختی نظیر محوطه‌های باستانی و مواد فرهنگی (سفال، سکه و غیره) و نیز کتب جغرافیایان قرون اولیه اسلامی، آگاهی‌هایی از تقسیمات اداری ایالت پارس در دوران تاریخی به ما می‌دهند و جملگی شهرستان ناین را جزو کوره اصطخر فارس می‌دانند. شهرستان ناین یکی از بخش‌های استان اصفهان در حاشیه کویر است. شواهد متعدد و آثار برجای مانده از منطقه پاکوه ناین، نشان از اهمیت این منطقه در روزگار باستان، بویژه در دوره ساسانی دارد. پاکوه در ۳۰ کیلومتری شمال غرب شهرستان و محوطه شیرکوه در شش کیلومتری غرب روستای سپرو واقع شده است. به دلیل موقعیت جغرافیایی و سوق‌الجیشی، منطقه مستعد شکل‌گیری استقرارهای انسانی در طول زمان‌های مختلف بوده است. از جمله شواهد حضور ساسانیان در این منطقه می‌توان به قلعه، صفا و بنای چهارطاقی آن اشاره نمود که حاکی از اهمیت این منطقه در دوران پیش‌گفته است و احتمالاً در گذشته، این محل در مسیر راهی با اهمیت قرار داشته است که ساسانیان در آن اقدام به احداث قلعه‌ای در فراز کوه شیرکوه (کوه زرد) کرده‌اند (نک. باغ شیخی و همکاران، ۱۳۹۸: ۷).

۳. پیشینه تحقیق

نخستین پژوهش درباره گویش ناینی از منوچهر ستوده در کتابی با عنوان «فرهنگ ناینی» است که با وجود پرداخت‌های کامل به مسئله، در بیان ویژگی‌های این گویش، همچنان جای کار دارد. امامی ناینی در سال ۱۳۹۸ در کتابی تحت عنوان «نگاهی به ناین»، به بیان کلمات موجود در فارسی رسمی

همراه با معادل آن در گویش نایینی پرداخته است و آن را با فارسی شهر نایینی مطابقت داده است. صارمی، سال ۱۳۹۷ در کتابی با عنوان «امثال و حکم نایینی» پژوهش خود را محدود به بیان ضرب المثل‌ها و اصطلاحات موجود در گویش نایینی کرده است. میرزاییگی نایینی و مرزوق سال ۱۳۹۲ در کتابی تحت عنوان «فرهنگ نایین» ضمن توضیح تاریخ و جغرافیا، آداب و رسوم، شخصیت و فرهنگ نایین، توضیح کوتاهی نیز در معرفی گویش نایینی داشته‌اند. پورعابدی نایینی ۱۳۹۱ در مقاله‌ای با عنوان «مقدمه‌ای بر واج‌شناسی گویش نایینی» که در آن به توصیف واجی گویش نایینی پرداخته است عنوان می‌کند که نایینی یکی از گویش‌های رایج در ناحیه مرکزی ایران و جزو شاخه شمال غربی زبان‌های ایرانی است که در شهرستان نایین استان اصفهان (ماد بزرگ در روزگار باستان) رواج گسترده‌ای دارد.

دانشمندان اروپایی نخستین پژوهش‌های زبان‌شناختی درباره این گویش را در سده نوزدهم انجام دادند؛ مانند آمده کری سال ۱۸۹۶، ویلهلم گایگر، ولادیمیر ایوانف، اسکار مان و کارل هدنک سال ۱۹۲۶.

حدادی در سال ۱۳۸۸ در پژوهش خود با عنوان «تصرف فعل در گویش نایینی و بررسی مقابله‌ای آن با فارسی معیار» به این نتیجه دست یافت که گویش نایینی و فارسی محاوره‌ای تهرانی از نظر ستناک مشابه‌اند، ولی از نظر ساخت‌های صرفی فعل، گویش نایینی تعداد کمتری نسبت به فارسی محاوره‌ای تهرانی دارد. گویش نایینی در منفی‌سازی شباهت زیادی به فارسی محاوره‌ای تهرانی دارد ولی در مورد مجهول‌سازی، کمی ساده‌تر عمل می‌کند. کاظمی در سال ۱۳۸۷ و در پژوهشی با عنوان «زبان نایینی: زوال یا بقاء؟» به این نتیجه دست یافته است که زبان نایینی از وضعیت کاربردی خوبی برخوردار نیست و گویا وضعیت نگران‌کننده نایینی به عنوان یک زبان در معرض خطر است و نشان می‌دهد که زوال روزافزون زبان‌های محلی ایران، در مورد زبان نایینی نیز تا حد زیادی صدق می‌کند؛ به این معنی که تقریباً تمامی زنان و مردان مورد پژوهش که در مقاطع سنی، تحصیلی و شغلی مختلف هستند، در حوزه‌های مختلف خانه، کوچه و بازار، ارتباط‌های خویشاوندی و غیره، زبان فارسی را بیشتر از زبان نایینی به کار می‌برند. در مجموع، یافته‌های پژوهش نشان‌دهنده یک تغییر بسیار وسیع در جهت حذف زبان نایینی در منطقه است. جامع نایینی در سال ۱۳۸۳ و در کتابی تحت عنوان «ویژگی زبان محلی نایین» به بیان مختصری از واژگان و ضرب‌المثل‌های گویش نایینی پرداخته و بعضی از ویژگی‌های آن را نام برده است. آقای بابایی باد افشانی در سال ۱۳۷۰ در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود تحت عنوان «تحلیل تاریخی پیرامون واژه‌های اصیل گویش نایینی همراه با تحلیل آوایی و دستوری» پس از معرفی جایگاه زبان نایینی در خانواده زبان‌های ایرانی، به توصیف واج‌ها و برخی از فرایندهای آوایی این زبان پرداخته است. مفیدی در سال ۱۳۸۳ و در پایان‌نامه خود با عنوان «بررسی ساخت فعلی در زبان نایینی بر اساس فرضیه فاعل درون‌گروهی»، دو فرضیه را مطرح کرده است:

فرضیه نخست این است که ساخت گروه فعلی در زبان نایینی بر اساس قواعد نحو ایکس تیره تا حدودی قابل توصیف است و فرضیه دوم این که داده‌های زبان نایینی، ضرورت قابل‌شدن به فرضیه فاعل درون‌گروهی را مورد تأیید قرار می‌دهد. یادگاری نایینی و صارمی نایینی در سال ۱۳۹۸ در کتابی با عنوان «دستور زبان و واژه‌نامه نایین» به بیان دستور زبان گویش نایینی پرداخته است ولی درباره پیشینه تاریخی شهر و گویش نایینی مطلبی بیان نکرده است. منصور قاسمی در سال ۱۳۹۴ در پایان نامه خود با عنوان «بررسی زبان‌شناختی گویش نایینی با رویکرد تاریخی» به مقایسه این گویش با فارسی معیار پرداخته است. محمد علی ابراهیمی در سال ۱۳۸۵ در کتابی با عنوان «انارک»، مقاله‌های مختلفی پیرامون گویش‌های مرکزی ایران ارائه شده در همایش سراسری گویش‌های محلی و مردم‌شناسی جمع‌آوری و ارائه نموده است.

۴. روش پژوهش

این پژوهش به روش کتابخانه‌ای و میدانی به انجام رسیده است. در بخش کتابخانه‌ای، داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز از طریق جستجو در منابع معتبر گردآوری گردید. در بخش میدانی نیز بویژه به منظور آگاهی دقیق از معانی واژه‌ها و اصطلاحات و ریشه‌شناسی آنان، علاوه بر مراجعه به متون معتبر، از طریق مصاحبه با صاحب‌نظران و همچنین افراد کهنسال مسلط به گویش نایینی، تلفظ صحیح و دقیق واژه‌ها و اصطلاحات مورد تأیید قرار گرفت. در پژوهش حاضر تلاش شده است تا ضمن ارائه مطالبی مستند در خصوص تاریخ نایین و مطالعات صورت گرفته پیرامون گویش آن، نحوه ساخت مصادر و افعال، ضمائر و اسامی، انواع واج و ویژگی‌های کلی گویش نایینی مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد.

۵. یافته‌های پژوهش

۱-۵. گویش نایینی و لهجه‌های متعدد آن در منطقه

«زبان‌های ایرانی» به زبان‌هایی گفته می‌شود که متعلق به خانواده «زبان‌های هند و اروپایی» است و مرحله باستان و میانه را پشت سر گذاشته و از پایان سلسله ساسانی؛ یعنی از اواسط قرن سوم هجری، وارد مرحله تازه‌تری به نام فارسی دری یا نو شد. «زبان فارسی دری، گویش‌های همبسته زیادی دارد که بر پایه مشابهت‌های ساختاری عبارتند از:

- گروه شمال‌غربی: خوانساری، محلاتی، وانسانی؛
- گروه شمال‌شرقی: آرانی، ایبانه‌ای، جوشقانی، میمه‌ای، نطنزی؛
- گروه جنوب‌غربی: سدهی، گزی، ورزنده‌ای؛
- گروه شمال‌شرقی: اردستانی، انارکی، زفره‌ای، کرمانی، نایینی؛

- گروه منطقه‌ای تفرش: آشتیانی، تفرشی، الویری؛

- گروه گویش‌های دشت کویر: خوری، مهرجانی) (رضایی باغبیدی، ۱۳۸۰: ۳-۴)

از جمله گویش‌های زبان فارسی در منطقه مرکزی ایران که هویت مستقل یافته، گویش نایینی است (این گویش، بازمانده از گروه زبان‌های مرکزی ایران از شاخه ایرانی میانه باختری است که این شاخه، خود به دو شاخه باختری-شمالی و باختری-نیمروزی تقسیم می‌گردد. شاخه باختری-شمالی در قلمرو پارت‌ها بوده که آن را پهلوانیک نیز می‌خواندند و از این رهگذر، واژه‌هایی از زبان‌های اوستایی، پارسی باستان، پهلوی اشکانی و ساسانی و سغدی را در میان واژه‌های رایج این سامان می‌توان یافت؛ لیکن گویش نایینی بیشتر از زبان پهلوی ساسانی و اوستایی مایه گرفته است. پژوهشگران زبان هند و اروپایی، با ضبط گویش نایین و حتی اردستان، به خوبی می‌توانند به ویژگی‌های زبان فارسی و باستان پی ببرند؛ چراکه بررسی تاریخی و موقعیت اقلیمی شهرستان نایین، بر کرانه بیابان‌های مرکزی ایران و بکر ماندن گویش محلی نایینی، نشان می‌دهد که از دیدگاه تکوین، به گروه زبان‌های باستانی ایران پیوند می‌خورد) (قاسمی، ۱۳۹۴: ۴۰-۴۱).

گویش نایینی که در شهرستان نایین و روستاهای همجوار به صورت لهجه‌های گوناگون نمود یافته است (دارای قرابت لهجه و گاه تضادهای آوایی و واژگانی نیز می‌باشد. تضادها معمولاً در تغییر کشش آواها یا تأکیدها و استرس‌های خاص ظهور می‌یابند) (رضوی نایینی، ۱۳۹۹: ۲۳). همین اختلافات جزئی است که گویش چند روستای همجوار را از همدیگر متمایز می‌سازد.

۲-۵. اختلاف در جابجایی حروف یک واژه

تور: تینیر tinir، تیرین tirin / رخت‌خواب: جُمخو jomxow، جُخمو joxmoj /

من: مه me، می m:i، مو m:u /

گاه این اختلاف‌ها در کلمه‌های مشابه از یک قاعده واحد تبعیت می‌کند؛ مثل برگردان کلمات «خواب»، «تاب» و مشابه آن در محدوده دیگر «خو xow» و «تو tow» و در مکانی دیگر «خاو xāw» و «تاو tāw» است.

این گونه اختلافات در گویش محلی «نایین مرکزی و انارک» به خوبی مشهود است.

برخی از کلمات نیز در یک گویش، تغییر یافته در حالی که در گویش دیگر بدون تغییر باقی مانده‌اند؛ مثل کلمه «یکی» که در گویش نایینی به صورت «ایکی i:ki:» و در گویش انارکی به صورت «یکی yeki» بیان می‌شود (همان).

۳-۵. مصادر و افعال در گویش ناینی

در گویش ناینی ریشه کلمه‌ها اغلب به شکل دستوری دیده می‌شود؛ مثلاً ماضی مطلق از مصدر

«وات» یعنی «گفتن» می‌شود:

مووات	تووات	شووات
می‌وات	تیوات	شیوات

به معنی:

گفتم	گفتی	گفت
گفتیم	گفتید	گفتند

یا نقلی گذشته آن می‌شود:

موواته	توواته	شوواته
می‌واته	تی‌واته	شی‌واته

به معنی:

گفته‌ام	گفته‌ای	گفته‌است
گفته‌ایم	گفته‌اید	گفته‌اند

یا مضارع التزامی آن می‌شود:

موواوات	توواوات	شوواوات
می‌واوات	تی‌واوات	شی‌واوات

به معنی:

بگویم	بگویی	بگوید
بگوییم	بگویید	بگویند

افعال در زبان ناینی مانند سایر زبان‌های هند و اروپایی به دو دسته منظم و نامنظم تقسیم می‌شود:

الف) افعال منظم

- صرف فعل مرکب «اودای» (آب دادن)

زمان حال: می‌او تی / ت‌او تی / این‌او تی / ما‌او تم / شوما‌او تیت / ایا‌او تن

برگردان: من آب می‌دهم / تو آب می‌دهی / او آب می‌دهد / ما آب می‌دهیم / شما آب می‌دهید / آن‌ها آب می‌دهند.

زمان گذشته: می‌اوم دا / ت‌اوت دا / این‌اوش دا / ما‌اومی دا / شوما‌اوتی دا / ایا‌اوشی دا

- صرف فعل «خندای» (خندیدن)

زمان حال: می خندی / ت خندی / این خند / ما خندیم / شما خندیت / ایا خندن.
برگردان: من می خندم / تو می خندی / او می خندد / ما می خندیم / شما می خندید / آن‌ها می خندند.
زمان گذشته: می ایخندای / ت ایخندای / این ایخندا / ما ایخندیم / شما ایخندیت / ایا اخندن

- صرف فعل کمکی «بی» (بودن)

زمان حال: می هی / ت هی / این ه / ما هم / شوماهیت / ایا هن
من هستم / تو هستی / او هست / ما هستیم / شما هستید / آن‌ها هستند
زمان گذشته: می بی / ت بی / این بی / ما ایم / شومایت / ایابین

(ب) افعال بی قاعده و نامنظم

- صرف فعل «یارتای؛ یارت» (آوردن)

زمان حال: می تاری / ت تاری / این تاره / ما تارم / شوما تاریت / ایا تارن
برگردان: من می آورم / تو می آوری / او می آورد / ما می آوریم / شما می آورید / آن‌ها می آورند
زمان گذشته: می مییارت / ت تییارت / این شییارت / ما مییارت / شوما تییارت / ایا شییارت

برای ساختن فعل مضارع، «ت» به «ج» تبدیل و چنین می شود:

واجی (اول شخص مفرد)، واجی (دوم شخص مفرد)

واجه، واجم، واجید، واجن (می گویم، می گویی، می گوید...)

در فعل امر زبان فارسی معیار، حرف «ب» مبنای امر است؛ مانند: برو، بگو، بخور، بیا و غیره و در گویش محلی ناین، «الف» و «واو» بنای اصلی امر محسوب می شوند؛ به این معنا که افعال امر در گویش ناینی با «الف» و «واو» آغاز می شوند؛ مانند:

اوواج (بگو)، اوخور (بخور)، امر (بشکن)، اوشو (برو)، وگیر (بردار)، وَاَل (بگذار)، وُکُش (خاموش کن)، وُیس (بایست)، وُرس (برخیز).

فعل امر در گویش محلی ناین، دو صیغه دارد؛ دوم شخص مفرد و دوم شخص جمع: اوشو، ایشید (برو، بروید).

۴-۵. ساخت ضمائر و اسامی موجود در گویش نایینی

از جمله دلایل اصالت این زبان، نظم طبیعی آن، مخصوصاً در ضمائر است؛ ضمائر مفرد، «مو»، «تو»، «شو» و ضمائر جمع «می»، «تی»، «شی» هستند. در ضمائر زیر، این نظم طبیعی ملاحظه می‌شود:

موخا / توخا / شوخا / می‌خا / تی‌خا / شی‌خا
من خوردم / تو خوردی / او خورد / ما خوردیم / شما خوردید / آنها خوردند.
در این دسته، مصدر «خارت» به معنی خوردن است.

الفاظ و عبارات زبان محلی نایین، از یکی از چند صورت بیرون نیست:

۱- واژه و گویشی که صورت ویژه دارد؛ یعنی از حالی به حالتی تغییر نیافته و ریشه آن را باید از فرهنگ اوستا بیرون کشید؛ به این معنا که این واژه‌ها جعلی و تغییر یافته‌ی واژه‌های دیگر نیستند و دارای اصل و ریشه‌ی اوستایی‌اند؛ مانند کلمه یا اسم «ملو» به معنی گربه و «کویه» به معنی سگ و «هیلی» به معنی زردآلو و «دیم» و «لنج» و «شه بی» و «اوواج» و «کرک» و «چوری» و غیره.

۲- واژه‌هایی که مشتق از لفظ فارسی معیار هستند و چند صورت دارند:

الف) یک دسته کلماتی که صورت حروف در آنها ثابت مانده و حرکات تغییر یافته، مانند «دهن» که محلی دهان است یا «کندم» که محلی گندم است و یا «قند» که قند بوده و اغلب، اساس چنین است.

ب) کلماتی که با افزایش و یا کاهش فارسی معمولی، محلی می‌شوند؛ مانند:

کتاب: کوتاب (افزایش حروف)

آتش: آتش (تغییر حروف)

زمین: زمین (افزایش حروف)

نان: نو (کاهش حروف)

ج) آنهایی که با تغییر حروف، محلی می‌شوند و این بیشتر بین «ب» و «و» است؛ مانند: جوو، (جوراب)، او (آب)، نیمی (نمد)، و (باد)، بر (در)، کولا (کلاه)، کوباب (کباب)، قیلیم (قلم) و غیره. (نک. جامع نایینی، ۱۳۸۲: ۴۴).

۵-۵. انواع واج در گویش نایینی

۵-۵-۱. واج‌های هم‌خوان که به شرح زیر بازشناخته می‌شوند

واج /P/

pend/bend	(بند محتویات درون شکم)	p/b
pe t/me t	(پیر/پشت)	p/m
fend/fend	(نیرنگ/محتویات شکم)	f/f
tijālæ/ pijālæ	(پیاله /گونه ای رستنی بیابانی)	t/p

واج /b/

wer/ber	(بیرون /کنار)	w/b
bærtæ/mærtæ	(مرد/برد)	b/m

واج /t/

t:ulā/d:ulā	(دود غلیظ /گوشت نامرغوب)	t/d
kært/kærk	(مرغ خانگی، تکه ای از زمین کشاورزی)	t/k
tiræ/giræ	(گیره درودگری /توبره)	t/g
toj/xoj	(خود/توت)	t/x

واج /d/

dot/pot	(موی نرم/دختر)	d/p
d:u/n:u	(نان/دوغ)	d/n

واج /f/

fis/vis	(بیست /بادغرور)	f/v
---------	-----------------	-----

واج /w/

wā/mā	(ماه/باد)	w/m
-------	-----------	-----

واج /s/

sili/zili	(زالو/سیلی)	s/z
wis/wis	(پنبه خارج شده از غوزه/بیست)	s/s

	s:i	s
(سی)		
		واج/z/
(گیاه بیابانی/زنگ)	zeng/seng	z/s
(چنگ/زنگ)	zeng/seng	z/s
(چنگ/زنگ)	zeng/jeng	z/j
		واج/s/
(چنگ/گیاه بیابانی و خوراکی)	seng/tʃeng	s/ tʃ
		واج/c/
(جام برنجی/باد سرد زمستانی)	com/gom	c/g
		واج/ j /
(بیا/کرم خورده)	jur/yur	j/y
		واج/k/
(گردوغبار/پاره‌ای از زمین کشاورزی)	kært/gært	k/g
(خایه/خانه)	kijā/xijā	k/x
(کیپل/تتبل)	kombol/gombol	k/g
(چاه/گاه)	Kæ/tʃæ	k/ tʃ
		واج/g/
(گونه رستنی پیش رونده/مرگ)	mærg/mærq	g/q
		واج/x/
(غرفه/خرفه گونه‌ای سبزی خوراکی)	xolfæ/golfæ	x/g
(هر/خر)	xer/her	x/h
		واج/g/
(غرفه)	olfæ ʔy	y
(کمان/گمان)	gumun/kumun	g/k

		واج /L/
(رخت / صخره)	læxt/ræxt	l/r
		واج /r/
(ال / بد)	ār/āl	r/l
		واج /m/
(خرمن کوب / باد سرد زمستانه)	com/con	m/n
(خم / غم)	am/xem ^Y	/x ^Y
		واج n
(لگو / ما)	mā/nā	m/n
(آویخته / انار)	nār/dār	n/d
		۵-۵-۲. واج‌های واکه‌ای
		۵-۲-۱. واکه‌ای ساده
		واج /i/
(پسر / پیر)	p:ir/p:ur	i/u
		واج /e/
(نیش / کلید)	kel/kāl	e/ā
		واج /ā/
(بد / آسیاب)	ār/ār	ā/ā
		واج /u/
(شغال / توبره)	tiræ/turæ/I	
		واج /o/
(می خورد / بیماری جزام)	xoræ/oxuræ	o/u

واج/æ/

tæɪæ/æ (چادرشب پنبه‌ای)

paræ/poræ/o (سپرک /پاره)

۵-۲-۵. واج گونه‌های کشیده

saver/con

۵-۲-۳. واکه‌های دوگانه (مرگب)

- واکه‌هایی که بخش دومشان /w/ است:

/iw/ siw (زیر)

/ew/ tew (تب)

/ow/ row (مثل)

/āw/ bāwjār (کسی که گندم را الک می کند)

- واکه‌هایی که بخش دومشان /y/ است:

/ej/ Nimej (نمد)

/æy/ sæy (سعی)

/oy/ xoy (خواهر)

/āy/ pāyn (پایین)

جدول شماره ۱: توزیع واج‌ها / توزیع همخوان‌ها

معانی	پایانی	میانی	آغازی	
عطسه / کتف / مرغ کرچ	kop	cāpul	puroɪnæ	P
بایگانی / حلبی کوچک / تکان	gomb	dæbili	boxsu	B
گم / لباس / چه کسی	kom	yomu	mæk	M
چارو / هسته / باران	varun	tirendæ	nimærzin	N
قارا / فاخته / دختر	dot	pæxti	tirappæ	T
زنبور / جوال دوز / ایوان	xirend	gondog	dondæ	D
گشاد / بیل / نف	tif	kæftin	firæx	F
برف / حشرات / تب	tew	jivendæ	warf/wafr	V
نردبان / سی سال انار / مزد آسیابان برای آرد کردن	texs	sisālæ	sārt	S

تگرگ / اعظمو / گردو	juz	æzāmo	zoræku	Z
سفت / اشک / دو	vis	særeʃk	sew	S
کجا / دوست داشتن / بیضه گوشفند	qond	dæsæ	com	C
دسته بیل / پستان / پرز و پشم	pong	gigæ	jimey	J
بازی / سکسکه / عدس	vinok	oʃkonu	kāyæ	K
نی / سپند / اذان	vong	sigendæ	gowāssæ	G
مادر شوهر / لوس / کشک	Terx	vexner	xāsrīg	X
کلاغ / تگرگ / دور	dulæq	tiqærs	qulā	Q
بینی / میل چرخ نخ ریسی / زن بدکاره	mul	mulenj	lonj	L
صورت‌م / برای / آبستن	āwr	B:ura	R:um	R
یونجه / سگ / شیره درخت	jej	kuyæ	yongæ	Y
روزنه / پهن	-	pæhin	huronu	H

جدول شماره ۲: توزیع واژه‌ها / واج‌گونه‌های کشیده

معانی	پایانی	میانی	آغازی	
می‌تواند / کجا / می‌آیی	āyi	kiyā	iʃacæ	I
می‌گویند / در / این‌طور	sige	ber	egen	E
ژشت / بزرگ / سد زمین آبیاری	væryonæ	mæsæ	ær	æ
اجاق / غضروف / کلاه	kulā	kuruk	ujāq	U
کرکس / کون / گوه	go	con	ollu	O
آذر / مقابل / داماد	zomā	sāver	āzor	A
می‌خرم / پایه	pi:	-	i:rini	i:
می‌گویند / یاد / چه کسی	ke:	ve:r	e:nji	e:
ابه / سینی / راه	rā	tāl	āvā	ā
زبان / دروغ	du:ru	zu:n	-	u:
فروشی / الگو / کجاست	ko:	ro:nā	o:rāsi	o:
بیرون / من	mā	bār	-	ā

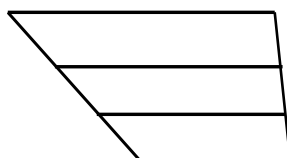
(جدول شماره ۳: جدول واجگاه و شیوه فراگویی همخوان‌ها)

واجگاه فراگویی	دولبی	لیبی دندانی	دندانی	لثوی	پس لثوی	کامی	نرم کامی	ملازی	چاکنابی
انفجاری	p b			d t			k g	q	
خیشومی	m			n					
لرزشی				r					
سایشی		f v		s z	š			x	H
واکه‌گونه						y			
واکه‌گونه کناری				l					
انفجاری- سایشی						č j			

نظام واکه‌ها: (نمودار ۴)

۱. برای هر واکه ساده یک واج‌گونه کشیده وجود دارد. (جدول شماره ۲)
۲. وقوع واج‌گونه‌های کشیده قابل پیش‌بینی است.
۳. واکه‌های ساده پیش از واج /h/ (ه) و /ʔ/ (همزه) همواره به گونه‌های کشیده نمود می‌یابند.
۴. در تکواژه‌های بومی ناینینی موارد کشیدگی واکه در تکواژه‌هایی دیده می‌شود که در برابر فارسی آن‌ها پس از واکه یک همخوان پایانی وجود دارد.
۵. توزیع واکه‌های کشیده در جایگاه‌های آغازی، میانی و پایانی تکواژه‌های بومی کامل نیست و تنوع چندانی ندارد.

(نمودار ۴)



(پورعابدی، ۱۳۹۱: ۴۶-۸۳)

۵-۶. برخی اصول حاکم بر گویش نایینی

زبان فارسی امروزی برآمده و تحول یافته زبان‌های فارسی باستان (زبان اوستایی) و زبان‌های میانه (پهلوی) است. زبان فارسی نیز در گذشته زبایی لازم و بالقوه‌ای داشته و منجر به خلق گویش‌های زیادی چون گویش محلی نایینی شده است. بدیهی است که بسیاری از ویژگی‌های موجود در گویش محلی نایینی برگرفته از همین دگرگونی واج‌ها، آواها، همخوان‌ها و واکه‌هاست؛ هرچند معنا و اساس واژه‌ها به تبعیت از اصل خود، ثابت مانده‌اند. از این روی این ویژگی‌ها از اصول قاطع و ثابتی تبعیت نمی‌کند ولی می‌تواند منحصر به یک گویش زبانی خاص باشد.

- گویش نایینی ۲۱ واج همخوان و ۶ واج واکه ای دارد؛ با توجه به نقش کشش، واج‌گونه‌های کشیده نیز در برخی از بافت‌های آوایی نمود می‌یابند.

- جایگاه شناسه‌ها در صرف افعال، با توجه به لازم و متعدی بودن و زمان گذشته و حال متفاوت است.

- پیشوند «در، هم، وا، وِر، در» در افعال ساده‌ای چون گرفتن، بستن، نوشتن، ایستادن و گیراندن به کار می‌رود و آن‌ها را به شکل فعل‌های پیشوندی در می‌آورد.

- نشانه جمع در این گویش، «اا» است؛ مثل: کاسا (کاسه‌ها)

- وجود بسیاری از افعال که در زبان معیار وجود ندارد؛ مانند: ایمرتا (شکستن)، گرتای (گشتن)، یومی یا (آمدن)

- در زبان معیار، واج r از مصدر «کردن» برای ساخت قالب التزامی و امر و نهی حذف می‌شود، اما در گویش محلی نایینی، واج r حفظ نمی‌شود: ایکیرم (بکنیم)، نکر (نکن)، ایکر (بکن)

- با افزودن پیشوند hā به فعل نهی، فعل تأکیدی ساخته می‌شود: / hānānigā هنانیگ (حتماً نمی‌نشیند)

- در گویش نایینی به سه شیوه می‌توان مصدر ساخت:

۱- با ریشه فعل؛ مانند: وات / wāt (گفتن)

۲- مصدر آمیخته؛ مانند: توخارت / tuxārt (خوردن)

۳- مصدر با پسوند tā و / yā تا و یا؛ مانند: ارتا / ārtā (آوردن)

- اضافه کردن (او) به نشانه تصغیر یا اسم فاعل: جوادو

- در گویش نایینی برای جمادات در موارد جمع از افعال مفرد استفاده می‌شود: اتاقا خراب شد.

- کلمه (جون) در خطاب خودمانی و انتقادی، بسیار به کار می‌رود.
- تبدیل (ه ح) به همزه (ی ا)؛ مثل: اهواز به صورت ائواز / قهر به صورت قتر
- در آخر کلمات، (ه) غیر ملفوظ به صورت مفتوح به کار می‌رود: خونه به صورت خونه
- مضاف و مضاف‌إلیه به صورت (ای) تلفظ می‌شود: کتاب تو به صورت کتابی تو
- گاهی (آ) به صورت (ا) و اغلب به صورت (او) تلفظ می‌شود: آمریکا به صورت امریکا
- تبدیل (ت) به (س) بعد از حرف (س): زمستان به صورت زمسون
- تبدیل (ر) به (ل): انجیر به صورت انجیل
- گاهی (ک) به (ق غ) تبدیل می‌شود: کلاغ به صورت غلاغ
- تبدیل حرف (ژ) به (ج): ژاندارمری به صورت جاندارمری
- گاه کسره فعل امر به (ای) تبدیل می‌شود: بین به صورت ای وین
- گاهی (ب) تبدیل به (ه) می‌شود: بگیر به صورت هگیر
- گاهی (ب) تبدیل به (او) می‌شود: بخور به صورت اوخور
- تبدیل (د) به (ت): آرد به صورت آرت
- تبدیل کسره اضافه به (ای): زن خانه به صورت زنی خونه
- گاهی (ه) حذف می‌شود: شوهر به صورت شور
- تبدیل (م) به (ن): گنبد به صورت گمبذ

۶. نتیجه‌گیری

گویش نایینی متعلق به گروه زبان‌های مرکزی ایران از شاخهٔ زبان‌های مرکزی ایرانی، قدمتی بیش از هزار سال دارد. براساس یک بررسی سطحی در بین مردم شهرستان ناین باید پذیرفت که گویش نایینی از وضعیت خوب کاربردی برخوردار نیست و متأسفانه مردم به علت عواملی چون برقراری ارتباط بهتر از طریق زبان فارسی، عدم تسلط به گویش نایینی، تسلط بیشتر مردم به زبان فارسی و اعتبار بیشتر فارسی به‌مثابهٔ زبان ملی، بیشتر به استفاده از زبان فارسی معیار روی آورده‌اند و والدین تمایل زیادی ندارند که فرزندانشان گویش نایینی را یاد بگیرند. در واقع گویش نایینی در شرف زوال است. بدون

تردید، گویش‌ها، نماد هویت ملل مختلف به شمار می‌روند که کشور ما نیز از این قاعده مستثنی نیست. از بین رفتن گویش‌ها می‌تواند یک خطر جدی برای هویت ملی نیز باشد زیرا با گذشت زمان، گویش‌ها نیز رفته‌رفته به فراموشی سپرده می‌شوند و نسل‌های جدید نمی‌توانند با گویش‌های محلی خود ارتباط برقرار کنند. از آنجا که گویش‌های محلی، گونه‌ای از تاریخ اجتماعی ملت‌ها و عامل مهمی برغنا‌ی زبان فارسی است، پژوهشگران در این مقاله کوشیده‌اند به بررسی گویش نایینی از بُعد قواعد دستوری و واج شناسی بپردازند. در نهایت، الفاظ و عبارات این گویش به سه قسمت تقسیم‌بندی شد: الف) واژگانی که گویش ویژه دارد؛ یعنی تغییر نیافته و ریشه در فرهنگ اوستا دارد؛ ب) واژگانی که مشتق از لفظ فارسی معیار است و تنها حرکات آن تغییر یافته است؛ ج) کلماتی که با افزایش یا کاهش حروف از حالت فارسی معمولی به صورت گویش محلی تغییر شکل می‌دهند.

منابع

- ۱- آزاد، میترا و سلطانی محمدی، مهدی و بلوری بناب، محمد. (۱۳۹۷). «گونه‌شناسی و تحلیل معماری دست‌کند در ناین»، مسکن و محیط روستا، ۳۷(۳)، ۱۰۶-۹۳
- ۲- ابراهیمی انارکی، محمد علی. (۱۳۸۵). انارک، قم: نشر گلستان ادب.
- ۳- باغ شیخی، میلاد و همکاران. (۱۳۹۸). «شواهدی نویافته از حضور ساسانیان در فلات مرکزی ایران، ارزیابی شواهد باستان‌شناختی و متون نوشتاری، مطالعه موردی محوطه شیرکوه ناین»، مطالعات ایرانی، ۱۸(۳۵)، ۱-۳۵
- ۴- باغ شیخی، میلاد. (۱۳۹۸). «بازشناسی جغرافیای تاریخی و تقسیمات اداری ناین در قرون اولیه اسلامی، از منظر مدارک تاریخی و شواهد باستان‌شناختی»، پژوهشنامه تاریخ، ۱۴(۵۶)، ۱-۳۲
- ۵- بشیرنژاد، حسن. (۱۳۸۳). «زبان‌های محلی ایران و خطر انقراض»، فرهنگ مردم ایران، ۲(۵-۶)، ۶۵-۸۴
- ۶- پورعابدی نایینی، سیدحسن. (۱۳۹۱). «مقدمه‌ای بر واج‌شناسی گویش نایینی»، ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین، ۲(۱)، ۱۹-۳۶
- ۷- جامع نایینی، محمدتقی. (۱۳۸۳). ویژگی‌های زبان محلی ناین، اصفهان: نشر مهرقائم (عج).

گوش نایینی؛ گویشی بازمانده از ایران باستان (ص ۴۱-۶۱)----- محمدرضا حصارکی و همکار ۶۱

- ۸- حدادی، مجتبی. (۱۳۸۸). «تصرف فعل در گویش نایینی و بررسی مقابله‌ای آن با فارسی معیار»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران: کتابخانه دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- ۹- رضایی باغبیدی، حسن. (۱۳۸۰). معرفی زبان‌ها و گویش‌های ایران، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- ۱۰- رضوی، سیدابوالفضل. (۱۳۹۳). نقش مشارکت مردم در توسعه اقتصادی؛ الگو نایین، تهران: نشرترمه.
- ۱۱- زرشناس، زهره. (۱۳۸۲). زبان و ادبیات ایران باستان، تهران: نشر دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ۱۲- سجادی نایینی، سیدمهدی. (۱۳۷۹). نایین، بلده طیبیه، تهران: نشر کانون پژوهش.
- ۱۳- سلطان زاده، حسین. (۱۳۹۰). نایین، شهر هزاره‌های تاریخ، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ۱۴- قاسمی، منصور. (۱۳۹۴). «بررسی زبان‌شناختی گویش فارسی نایینی با رویکرد تاریخی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد خوراسگان: دانشکده زبان‌های خارجی.
- ۱۵- معینیان، نرمنه. (۱۳۸۹). «نگاهی به دلایل جامعه‌شناختی نابودی زبان‌ها»، مطالعات جامعه‌شناختی، ۲(۷)، ۷۵-۸۷.
- ۱۶- نائل خانلری، پرویز. (۱۳۴۷). زبان‌شناسی و زبان فارسی، تهران: نشر بنیاد فرهنگ ایران.
- ۱۷- ناصح، محمدامین. (۱۳۸۹). «گویش‌شناسی، دریچه‌ای به سوی مردم‌شناسی و مطالعات فرهنگی ادبی»، نخستین همایش ملی ادبیات فارسی و پژوهش‌های میان‌رشته‌ای: بیرجند.
- ۱۸- همایون، همدخت. (۱۳۷۱). گویش افتری، تهران: نشر مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ۱۹- یادگاری نایینی، محمد و صارمی نایینی، زینب. (۱۳۹۸). دستور زبان و واژه‌نامه نایینی، تهران: نشر مگستان.